

## سخن ثبوتی در جلسه هم‌اندیشی جمعیت توسعه علمی ایران

جناب آقای دکتر فراست‌خواه اصطلاحاتی که در مقدمه آورده‌اید تا اندازه‌ای فنی است و خواننده معمولی ممکن است نتواند به سهولت بفهمد و به ذهن بسپارد. اگر به زبان غیر فنی نوشته شوند بهتر خواهد بود.

گمان نمی‌کنم حوزه و دانشگاه به آسانی بتوانند به هم نزدیک شوند. آموزش‌های دانشگاهی، مخصوصاً در علوم تجربی شک و تردید دریافته‌ها را تبلیغ می‌کنند و اصالت را به مشاهده و دقت مشاهدات می‌دهند. در حالی که تعلیمات حوزه به جزم‌اندیشی و ایمان بها می‌دهند. نزدیکی وقتی امکان‌پذیر می‌شود که دو طرف حاضر شوند در مبنای تفکر و آموزه‌های خود با هم دیگر مصالحه کنند. تا به حال چنین تمایلی دیده نشده است.

در هیچ یک از برنامه‌های توسعه کشور، اعم از سند چشم‌انداز و جز آن به یک نکته، به نظر من مهم، توجه نشده و چاره‌ای برای آن اندیشیده نشده است. و آن این که جامعه ما در تحلیلی فکر کردن و علت و معلول دیدن کم‌تجربه است. به نظر من همگانی کردن علم در تمام سطوح جامعه و آگاهی از دانش روز در سطح عام باید جزء اهداف هر برنامه توسعه باشد.

نکته دیگر این که مکانیزمی برای ارزیابی پیشرفت‌ها و پسرفت‌ها در اسناد و برنامه‌های ما دیده نمی‌شود و اگر هم وجود دارد در عمل فراموش می‌شوند. به نظر می‌رسد که با ارزیابی بیگانه‌ایم و از این که مبادا عیب‌ها و نقیصه‌ها دیده شوند هراس داریم. به عنوان مثال سال‌هاست که مقام معظم رهبری هر سالی را به نامی می‌نامند، سال کوشش مضاعف، سال حمایت از تولید داخلی و جز آن‌ها. سال‌ها می‌آیند و می‌روند و در هیچ نهادی، اعم از خصوصی و عمومی، مقامی که کوشش مضاعف یا حمایت از تولید را بسنجد و گزارش دهد دیده نمی‌شود.

به دانشگاه برگردم. جامعه نمی‌تواند دست‌آوردهای دانشگاه‌هایش را نگاه دارد. دانشجوی با هزار ترفند تربیت می‌شود و تحویل مشتریان خارج از مرزها داده می‌شود. این که مقامی، دفتری، یا نهادی به طور جدی نگران از دست رفتن سرمایه انسانی و اقتصادی جامعه باشد وجود ندارد و یا بسیار کم‌رنگ و بی اثر عمل می‌کند.

جو دانشگاه‌ها به خاطر قید و بندهای فراوانی که در لایه‌های مختلف اداری و آموزشی وجود دارد نشاط لازم را بر کار آرام و خلاق ندارد. سیاست‌های نیاندیشده وزارت‌خانه و خارج از آن در بعضی موارد حتی تشنج‌آفرین است.

از امکانات موجود دانشگاه‌ها به طور کاراً استفاده نمی‌شود. اکثر دانشگاه‌ها یکی دو ساعت بعد از وقت اداری کارمندی درهایشان را به روی استاد و دانشجو می‌بندند. دفاتر کار، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، و امکانات ارتباطی الکترونیکی عاطل می‌مانند.

ارتباطات بین‌المللی دانشگاه‌ها، اعم از رفت و آمدهای افراد و تماس‌های اینترنتی، بسیار محدود است و هر روز به بهانه‌ای از داخل و خارج محدودتر هم می‌شود. در دنیای امروز در پشت درهای بسته به روی دنیا، نمی‌توان به‌روز بود و با دنیا رقابت کرد. به همین جهت در آوردن نوآوری‌ها به دانشگاه‌ها همیشه چند گامی از دنیا عقب‌تریم.

خلاصه کلام: به نظر من دانشگاه‌های ما نقاط قوت زیادی دارند و روی آن‌ها باید حساب کرد. نارسایی‌های جدی هم دارند که به بعضی از آن‌ها اشاره کردم. ریشه نارسایی‌ها را در خارج از دانشگاه‌ها و در بستر مدیریتی و اجتماعی و سیاسی جامعه می‌بینم. هر چه باشد جامعه دانشگاهی، شامل استاد و دانشجو و کارمند، بخش کوچکی از یک جمعیت ۷۵ میلیونی است. صاحب سرمایه نیست، توان سیاست‌گذاری ندارد و دسترسی به مراکز قدرت اقتصادی و سیاسی و حکومتی را ندارد. تنها به اندازه جثه‌اش می‌تواند موثر باشد. اگر انتظار از دانشگاه‌ها بیش از آن است که تا به حال انجام داده‌اند لازم است دولت‌مردان و سیاست‌گزاران تفکر مدیریتی دیگری داشته باشند.